

به نام خداوند

جان و خرد

شرحی بر قانون مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی

فرشید رستگار

دادپانا

شرحی بر قانون
مالیات بر سوداگری
و سفته‌بازی



نام نویسنده: فرشید رستگار
طراحی جلد و صفحه‌آرایی: گروه گرافیکی ارشیا
ناشر: انتشارات دادبانان دانا
نوبت و سال چاپ: اول (۱۴۰۴)
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
قیمت:

شماره استاندارد بین‌المللی کتاب (شابک): ۹۷۸-۶۲۲-۸۷۹۷۳-۵-۹
International Standard Book Number (ISBN): 978-622-87973-5-9

مرکز پخش:

تهران - پاسداران - خیابان شهید کلاهدوز - بین دیباجی و یار محمدی -
نبش حافظ - ساختمان بانک اقتصاد نوین - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۳
تلفن: ۰۹۹۱۵۰۵۰۷۸۹ - ۰۲۱ - ۲۲۵۸۴۹۰۰

خرید کتاب با تخفیف ویژه
از سایت اینترنتی:



dadbanandana.com

فهرست مطالب

.....	مقدمه
.....	♦ بخش اول: مبانی نظری و فلسفه تقنینی
.....	فصل اول: پیش‌زمینه تاریخی مالیات بر عایدی سرمایه در ایران و جهان
.....	فصل دوم: اهداف اقتصادی و اجتماعی قانون مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی
.....	فصل سوم: فلسفه عدالت مالیاتی و آثار رفتاری قانون
.....	فصل چهارم: مبانی و ساختار قانونی مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی
.....	♦ بخش دوم: ساختار و اجزای قانونی
.....	ماده ۱
.....	ماده ۲
.....	ماده ۳
.....	ماده ۴
.....	ماده ۵
.....	ماده ۶
.....	ماده ۷
.....	ماده ۸
.....	ماده ۹
.....	ماده ۱۰
.....	♦ بخش سوم قانون: محاسبه و اخذ مالیات
.....	تحلیل ماده ۱۱ قانون مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی
.....	ماده ۱۲

.....	ماده ۱۳
.....	ماده ۱۴
.....	ماده ۱۵
.....	ماده ۱۶
.....	ماده ۱۷
.....	ماده ۱۸
.....	ماده ۱۹
.....	ماده ۲۰
.....	ماده ۲۱
.....	ماده ۲۲
.....	ماده ۲۳
.....	ماده ۲۴
.....	ماده ۲۵
.....	ماده ۲۶
.....	ماده ۲۷
.....	ماده ۲۸
.....	♦ سخن آخر

مقدمه

«هیچ چیز در این دنیا قطعی نیست، مگر مرگ و مالیات»
بنجامین فرانکلین

۱. ضرورت درک قانون از درون

در تاریخ هر ملتی، گاهی قانونی تصویب می‌شود که از جنس تغییر است، نه تکرار. قانون «مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی» از همین جنس است؛ قانونی که می‌خواهد میان ثروت و عدالت، بازار و اخلاق، و درآمد و مسئولیت اجتماعی تعادلی تازه برقرار کند. اما قانون، زمانی کارآمد می‌شود که درک شود، نه فقط اجرا. درک قانون، یعنی فهم منطق پشت آن؛ یعنی دانستن اینکه چرا تصویب شد، چه مشکلی را حل می‌کند، و چه آینده‌ای را ترسیم می‌نماید. از همین نیاز، ایده‌ی این کتاب زاده شد:

شرحی جامع، علمی و کاربردی از یکی از مهم‌ترین تحولات تاریخ نظام مالیاتی ایران، بر اساس منابع رسمی، پژوهش‌های تقنینی، و تجربه‌ی میدانی در آموزش و اجرای قوانین مالیاتی کشور.

۲. خلأیی که این قانون آمد تا پر کند

در دهه‌های گذشته، نظام مالیاتی ایران به‌طور نامتوازن بر دو پایه‌ی اصلی استوار بود:

- مالیات بر درآمدهای جاری (مانند حقوق و مشاغل)،
- و مالیات بر مصرف (مالیات بر ارزش افزوده).

اما هیچ پایه‌ای برای درآمدهای حاصل از افزایش ارزش دارایی‌ها - یعنی عایدی سرمایه وجود نداشت. نتیجه، پدیده‌ای شد که اقتصاددانان آن را غیرمولدسازی ثروت می‌نامند: سوداگری در بازار مسکن، احتکار خودرو، نوسان‌گیری در ارز و طلا، و گردش میلیاردها تومان سرمایه بدون هیچ مالیاتی.

در مقابل، تولیدکنندگان، کارمندان و شرکت‌های رسمی که شفاف کار می‌کردند، هر روز بار سنگین‌تری از مالیات را بر دوش می‌کشیدند.

به این ترتیب، نظام مالیاتی به جای آنکه ابزاری برای عدالت باشد، خود به عاملی برای بی‌عدالتی مالی و اجتماعی تبدیل شد.

قانون مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی، پاسخی هوشمندانه و دیرنگام به این وضعیت است؛ تلاشی برای مهار جریان‌های غیرمولد، بازگرداندن سرمایه به تولید، و برقراری توازن میان پرداخت‌کنندگان و بهره‌مندان واقعی از ثروت ملی.

۳. ریشه‌های تقنینی و جایگاه تاریخی

مطالعه‌ی روند تصویب این قانون نشان می‌دهد که ما با یک تحول تدریجی و مبتنی بر پژوهش‌های تخصصی روبه‌رو هستیم، نه یک تصمیم سیاسی یا لحظه‌ای. از سال ۱۴۰۰، مرکز پژوهش‌های مجلس با انتشار گزارش‌هایی همچون:

- «کارکردها و مؤلفه‌های مهم در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه مبتنی بر تجارب کشورها»،
- و «طرح اصلاح برخی احکام قوانین مالیاتی» در شور اول و دوم،

پایه‌های علمی این قانون را بنا نهاد.

در سال ۱۴۰۲، مجلس شورای اسلامی با تغییر عنوان و رویکرد، طرح را از «مالیات بر عایدی سرمایه» به «مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی» ارتقا داد تا هدف آن از درآمدزایی صرف، به تنظیم رفتار اقتصادی جامعه تبدیل شود.

در نهایت، پس از رفع ایرادات شورای نگهبان، این قانون در سال ۱۴۰۴ ابلاغ شد. بنابراین، قانون جدید نه تنها مکمل قانون مالیات‌های مستقیم است، بلکه گامی اساسی برای ورود ایران به مرحله‌ی مالیات بر ثروت و مجموع درآمد به شمار می‌رود.

۴. مالیات؛ از اجبار تا آگاهی

یکی از رسالت‌های من به‌عنوان مدرس و مشاور مالیاتی در کشور، تبدیل مفهوم «مالیات» از اجبار به آگاهی بوده است.

سال‌ها در کلاس‌ها و همایش‌ها شنیده‌ام که مؤدیان، مالیات را نه به‌عنوان حق جامعه، بلکه به‌عنوان هزینه‌ای تحمیلی می‌بینند.

اما در تجربه‌ی کشورهای توسعه‌یافته، مالیات نه بار است و نه تنبیه؛ بلکه نشانه‌ی تعلق شهروند به دولت خود است.

شهروندی که مالیات می‌دهد، شریک اداره‌ی کشور است، نه تابع آن. قانون مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی، فرصتی است برای تغییر این ذهنیت؛ قانونی که به مردم می‌گوید: «اگر درآمدت از کار و تولید است، مشمول حمایت و معافیت هستی؛ اما اگر سودت از سوداگری و نوسان‌گیری است، باید سهمت را از عدالت بردازی». این پیام ساده، بنیان یک تحول فرهنگی در نگاه جامعه به مالیات است.

۵. هدف و ویژگی‌های این کتاب

این کتاب تنها شرحی بر قانون نیست، بلکه تلاشی است برای بازآفرینی زبان مالیات در ایران؛ زبانی که سال‌ها میان پیچیدگی‌های اداری و واژگان سنگین حقوقی گم شده بود. در این اثر، تلاش شده است تا قانون مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی نه صرفاً به‌عنوان مجموعه‌ای از مواد و تبصره‌ها، بلکه به‌مثابه‌ی منشور جدیدی از عدالت اقتصادی و انضباط مالی تبیین شود. سه ویژگی اصلی این اثر عبارت‌اند از:

۱. نگاه تلفیقی میان قانون و واقعیت: در این کتاب، هر بخش از قانون در پیوند با واقعیت‌های بازار مسکن، خودرو، ارز و سرمایه تحلیل شده است؛ تا خواننده درک کند که «پشت هر ماده، چه مسئله‌ای در اقتصاد ایران نهفته بوده است».
۲. زبان آموزشی، نه صرفاً فنی: هدف این اثر، آموزش و تفهیم است؛ نه بازگویی. متن کتاب به گونه‌ای طراحی شده که برای مدیران مالی، کارشناسان حسابداری و دانشجویان حقوق عمومی نیز قابل درک و کاربردی باشد. اصطلاحات تخصصی مالیاتی به زبان ساده و همراه با مثال‌های واقعی شرح داده شده‌اند تا قانون از سطح کاغذ به سطح رفتار اقتصادی مردم منتقل شود.
۳. نگاه آینده‌نگر به نظام مالیاتی ایران: این کتاب، قانون را پایان مسیر نمی‌بیند، بلکه آغاز اصلاحات بزرگ‌تری می‌داند؛ از جمله حرکت به سمت مالیات بر مجموع درآمد، مالیات بر ثروت، و هوشمندسازی جامع نظام مالیاتی. در واقع، هدف نهایی این اثر آن است که پلی باشد میان امروز قانون و فردای نظام مالیاتی ایران.

به تعبیر دیگر، این کتاب می‌خواهد نشان دهد که قانون مالیات بر سوداگری، نه صرفاً یک سیاست مالی، بلکه بیانیه‌ی اخلاقی یک ملت در برابر نابرابری اقتصادی است.

۶. جایگاه آموزشی و حرفه‌ای این اثر

به‌عنوان بنیان‌گذار اولین برند آموزش مالیات در کشور، سال‌ها دغدغه‌ام این بود که چرا ادبیات آموزشی مالیات در ایران، بیش از آنکه «برای متخصصان» باشد، «برای ممیزان» نوشته شده است. هدف من از تألیف این اثر، ایجاد پلی میان علم مالیات، تجربه اجرایی، و آموزش تخصصی است. این کتاب نه صرفاً منبعی برای مطالعه دانشگاهی، بلکه مرجعی کاربردی برای:

- مدیران مالی و حسابداران،
- کارشناسان سازمان امور مالیاتی،
- وکلا، مشاوران اقتصادی و حقوقی شرکت‌ها خواهد بود.

۷. عدالت مالیاتی، روح قانون

در پس تمام مواد و تبصره‌ها، روحی واحد جاری است: **عدالت**. عدالت در پرداخت، عدالت در دسترسی، عدالت در فرصت.

قانون مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی، تجلی این نگاه است که: هرکس از جامعه سود می‌برد، باید به همان اندازه در بار آن شریک باشد. این قانون اگر درست فهمیده و درست اجرا شود، می‌تواند اعتماد ازدست‌رفته میان دولت و مؤدیان را بازسازی کند، اقتصاد را از دلالتی به سمت تولید هدایت نماید، و ایران را به سمت **نظام مالیاتی داده‌محور، هوشمند و اخلاق‌مدار** سوق دهد.

۸. سخن پایانی

هیچ قانونی به تنهایی کشور را متحول نمی‌کند؛ آنچه تحول می‌آورد، **فهم درست و اجرای عادلانه‌ی قانون** است. امید دارم این کتاب، سهم کوچکی باشد در شکل‌گیری این فهم؛ تا روزی که مالیات نه به‌عنوان اجبار، بلکه به‌عنوان افتخار شهروندی در این سرزمین شناخته شود.

فرشید رستگار

بنیان‌گذار برند «آقای مالیات»

مدرس و مشاور مالیاتی

پاییز ۱۴۰۴

۱

بخش اول

مبانی نظری و
فلسفه تقنینی

فصل اول

۱

پیش‌زمینه تاریخی مالیات بر عایدی سرمایه در ایران و جهان

مقدمه

در نظام‌های مالیاتی پیشرفته، یکی از مؤلفه‌های اصلی تحقق عدالت اقتصادی و مهار سوداگری، مالیات بر عایدی سرمایه^۱ است. این پایه مالیاتی، با هدف کاهش فعالیت‌های غیرمولد و سوق دادن سرمایه‌ها به سمت تولید طراحی شده است. با وجود سابقه طولانی این مفهوم در جهان، در ایران تا سال‌های اخیر جای خالی آن در ساختار مالیاتی کشور به‌شدت محسوس بود؛ به‌ویژه در شرایطی که افزایش نرخ تورم و رشد سریع ارزش دارایی‌های غیرمولد باعث شد سوداگران، بدون هیچ پرداخت مالیاتی، از بازارهای مسکن، طلا، ارز و خودرو سودهای هنگفت کسب کنند.

۱. ریشه‌های تاریخی مالیات بر عایدی سرمایه در جهان

۱.۱. منشأ در اقتصادهای صنعتی قرن بیستم

مالیات بر عایدی سرمایه نخستین‌بار در اوایل قرن بیستم، به‌ویژه پس از رکود بزرگ ۱۹۲۹، در کشورهای صنعتی برای کنترل نوسانات بازار سهام و توزیع عادلانه ثروت مطرح شد. در ایالات متحده، قانون Revenue Act of 1913 نخستین‌بار مفهوم "capital gain" را تعریف کرد. در دهه ۱۹۶۰ با اصلاحات کندی، نرخ مالیات بر عایدی از درآمد جاری تفکیک شد تا سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت تشویق شوند. در بریتانیا نیز از سال ۱۹۶۵، Capital Gains Tax Act به تصویب رسید تا شکاف بین درآمدهای کاری و درآمدهای سرمایه‌ای کاهش یابد. کشورهای اروپایی بعداً با الگوگیری از این تجربه، سیستم‌هایی با نرخ‌های پلکانی و تعدیل‌شده بر اساس تورم طراحی کردند.

1. Capital Gains Tax

۱.۲. گسترش در کشورهای در حال توسعه

در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، بسیاری از اقتصادهای در حال گذار - از جمله هند، مالزی، ترکیه و آفریقای جنوبی - این پایه مالیاتی را به‌عنوان ابزار سیاستی برای مهار سفته‌بازی و کنترل قیمت دارایی‌ها به کار گرفتند.

مطالعه تطبیقی مرکز پژوهش‌های مجلس نیز نشان می‌دهد که در اکثر کشورهای OECD، CGT حداقل ۵ تا ۱۵ درصد از کل درآمدهای مالیاتی دولت‌ها را تشکیل می‌دهد.

۲. وضعیت مالیات بر عایدی سرمایه در ایران قبل از تصویب قانون جدید

۲.۱. فقدان پایه مالیاتی مستقل

تا پیش از دهه ۱۴۰۰، ایران هیچ نظام مشخصی برای مالیات بر عایدی سرمایه نداشت. در قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی، تنها بخشی از درآمدهای اتفاقی یا فروش دارایی‌های خاص (مانند املاک اجاری یا اراضی بایر) مشمول مالیات بودند، اما نه به‌عنوان CGT بلکه ذیل مواد عمومی.

نتیجه این خلأ قانونی، رشد سوداگری در بازار دارایی‌ها بود؛ به‌ویژه در بازار مسکن و خودرو، که در گزارش‌های رسمی مرکز پژوهش‌ها به‌عنوان عامل مستقیم افزایش نوسانات قیمتی و کاهش کارایی اقتصادی معرفی شده است.

۲.۲. تلاش‌های اولیه برای طراحی پایه CGT

از حدود سال ۱۳۹۵، ایده «مالیات بر عایدی سرمایه» در پژوهش‌های مالیه عمومی مرکز پژوهش‌های مجلس مطرح شد.

در اردیبهشت ۱۴۰۱، گزارشی تحت عنوان «مؤلفه‌ها و کارکردهای مهم در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه مبتنی بر تجارب کشورها» منتشر شد که نخستین چارچوب رسمی این مالیات را برای ایران ترسیم می‌کرد.

در ادامه، کمیسیون اقتصادی مجلس یازدهم در قالب طرح «اصلاح برخی احکام قوانین مالیاتی»، مقدمات تقنینی این پایه را فراهم کرد.

۳. از «مالیات بر عایدی سرمایه» تا «مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی»

۳.۱. تغییر رویکرد قانون‌گذار

در فرآیند بررسی و بازنگری طرح در سال ۱۴۰۲، نام و رویکرد طرح تغییر کرد. مفهوم جدید «مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی» با هدفی گسترده‌تر تصویب شد: نه فقط مقابله با عایدی‌های سرمایه‌ای، بلکه مهار فعالیت‌های غیرمولد و سوداگرانه در کلیه بازارهای دارایی - از جمله طلا، ارز و خودرو. به گفته‌ی گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌ها، این تغییر عنوان بازتابی از رویکرد کنترلی و عدالت‌محور قانون جدید است، درحالی‌که CGT در نسخه‌های اولیه صرفاً یک ابزار درآمدی محسوب می‌شد.

۳.۲. تصویب نهایی و بررسی شورای نگهبان

پس از تصویب نهایی در مجلس شورای اسلامی، طرح به شورای نگهبان ارسال شد. شورا در خرداد ۱۴۰۲، این مصوبه را دارای ۱۷ ایراد شرعی و قانونی دانست؛ از جمله ابهام در تعریف اشخاص مقیم، نحوه تشخیص تورم و شمول دارایی‌های دیجیتال. با رفع این ایرادات در سال ۱۴۰۳، متن نهایی در قالب «قانون مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی» تصویب و برای اجرا به دولت ابلاغ شد.

۴. جایگاه کنونی ایران در مقایسه بین‌المللی

در حال حاضر، با تصویب این قانون، ایران به جمع بیش از ۱۴۰ کشور دارای CGT یا مالیات مشابه پیوسته است.

تفاوت اصلی ایران با الگوهای غربی در چند محور است:

- تمرکز بیشتر بر دارایی‌های فیزیکی داخلی (مسکن، خودرو، طلا، ارز)
- طراحی پایه کنترلی و نه صرفاً درآمدزا
- وجود معافیت‌های گسترده برای دارایی‌های مصرفی خانوار و فعالیت‌های تولیدی
- پیوند کامل اجرای قانون با سامانه مؤدیان و پایانه‌های فروشگاهی برای رصد الکترونیکی تراکنش‌ها

اهداف اقتصادی و اجتماعی قانون مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی

مقدمه

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای نظام‌های مالیاتی مدرن، تبدیل مالیات از ابزاری صرفاً درآمدی به ابزاری تنظیمی است.

در همین راستا، قانون مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی در ایران نیز با سه هدف کلیدی طراحی شده است:

۱. کنترل سوداگری و ایجاد ثبات در بازار دارایی‌ها،
 ۲. تحقق عدالت مالیاتی از طریق توزیع منصفانه بار مالیاتی،
 ۳. تأمین پایدار منابع عمومی دولت.
- این سه هدف، هم‌زمان به منافع اقتصاد کلان، عدالت اجتماعی و کارایی نظام مالیاتی می‌پردازند.

۱. کنترل سوداگری و ایجاد ثبات در بازارها

۱.۱. منطق اقتصادی مبارزه با سوداگری

سوداگری در اقتصاد به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که در آن عامل اقتصادی، بدون تولید ارزش واقعی، تنها از تغییرات قیمتی دارایی‌ها سود می‌برد.

گزارش‌های رسمی مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر، بیش از ۴۰ درصد از معاملات بازار مسکن و خودرو در ایران، ماهیت غیرمصرفی و سفته‌بازانه داشته‌اند.

نتیجه این روند، افزایش سریع قیمت‌ها، کاهش توان خرید خانوارها و انتقال منابع از بخش مولد (تولید و اشتغال) به بخش نامولد بوده است.

مقدمه

عدالت، روح هر نظام مالیاتی است. بدون آن، مالیات نه تنها ابزار تأمین مالی دولت نخواهد بود، بلکه خود به منبع نارضایتی اجتماعی تبدیل می‌شود. در دهه‌های اخیر، نظام مالیاتی ایران به دلیل تمرکز بر درآمدهای قابل پیگیری (مثل حقوق و شرکت‌های رسمی) و بی‌توجهی به سودهای ناشی از معاملات دارایی، با نوعی **عدالت‌گریزی** ساختاری مواجه بوده است. قانون مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی، تلاشی است برای اصلاح این وضعیت؛ قانونی که می‌خواهد عدالت افقی، عدالت عمودی و عدالت بین‌نسلی را هم‌زمان محقق کند.

۱. ابعاد سه‌گانه عدالت مالیاتی

۱.۱. عدالت افقی – برابری میان هم‌درآمدها

عدالت افقی یعنی: «افراد با درآمد یکسان باید مالیات مشابهی بپردازند». در ایران، کارمندی که ماهانه حقوق دریافت می‌کرد، به‌صورت خودکار مالیات می‌داد؛ اما کسی که از خرید و فروش مکرر ملک، خودرو یا ارز درآمدی چند برابر همان حقوق داشت، هیچ مالیاتی پرداخت نمی‌کرد. این تفاوت، نه تنها بی‌عدالتی مالیاتی، بلکه بی‌عدالتی روانی و اجتماعی ایجاد کرده بود؛ چراکه احساس می‌شد قانون تنها برای «شفاف‌ها» نوشته شده است. با اجرای قانون جدید، این شکاف از بین می‌رود و همه‌ی اشخاص دارای عایدی سرمایه، بدون استثنا، مشمول نظام مالیاتی می‌شوند.

مقدمه

قانون «مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی» نقطه عطفی در تاریخ مالیات‌های مستقیم ایران است. تا پیش از تصویب آن، نظام مالیاتی کشور بر دو محور سستی استوار بود:

۱. مالیات بر درآمد

۲. مالیات بر مصرف (مانند مالیات بر ارزش افزوده)

اما هیچ پایه‌ای برای اخذ مالیات از عایدی سرمایه‌ای یا سود حاصل از معاملات غیرمولد وجود نداشت.

این خلأ، هم در عدالت مالیاتی و هم در کارایی اقتصادی خلل ایجاد کرده بود. قانون جدید، این شکاف را پر کرد و برای نخستین بار در ایران، پایه‌ای مستقل برای مالیات بر انتقال دارایی‌ها و عایدی ناشی از آن‌ها تعریف نمود.

۱. سیر تصویب و تحولات تقنینی

۱.۱. آغاز پژوهش‌ها و تدوین اولیه

پژوهش‌های مربوط به طراحی این قانون، نخستین بار در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سال ۱۴۰۰ آغاز شد.

در گزارش شماره ۱۸۲۱۷ با عنوان «کارکردها و مؤلفه‌های مهم در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه مبتنی بر تجارب کشورها»، چارچوب‌های نظری و تطبیقی این پایه معرفی شد.

۲

بخش دوم

ساختار و
اجزای قانونی

۱. ترکیب فصول و مواد

ساختار قانون شامل پنج بخش کلیدی است:

بخش	موضوع	محورهای اصلی
I	تعاریف و اشخاص مشمول	تعریف مودی، اشخاص تجاری و غیرتجاری، اقامتگاه مالیاتی
II	دارایی‌های مشمول و معافیت‌ها	املاک، خودرو، طلا، ارز و استثنای مصرفی
III	نحوه محاسبه عایدی و نرخ مالیات	مابه‌التفاوت قیمت خرید و فروش، تعدیل تورمی، نرخ پلکانی
IV	فرآیند اجرایی و سامانه مؤدیان	ثبت معاملات، پایانه‌های فروشگاهی، ارتباط داده‌ای با سازمان‌ها
V	جرائم، تخفیفات و ضمانت‌های اجرایی	جرائم تأخیر، معافیت‌ها برای سرمایه‌گذاری تولیدی، تعویق مالیات

۲. تعریف اشخاص مشمول

قانون بین دو گروه اصلی تفکیک قائل است:

- **اشخاص تجاری:** کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی ایرانی که فعالیت اقتصادی انتفاعی یا غیرانتفاعی دارند.
- **اشخاص غیرتجاری:** شامل شهروندانی است که معاملات دارایی انجام می‌دهند اما کسب‌وکار رسمی ندارند.

بر اساس ماده ۳ اصلاحی قانون پایانه‌های فروشگاهی، تمام اشخاص تجاری موظف‌اند تراکنش‌های خود را از طریق کارپوشه مؤدیان ثبت کنند.

۳. دارایی‌های مشمول و معاف

دارایی‌های مشمول عبارت‌اند از:

۱. املاک و حق واگذاری محل،
۲. وسایل نقلیه موتوری،
۳. طلا، جواهر و فلزات گرانبها،
۴. ارز و دارایی‌های مشابه.

اما دارایی‌های مصرفی خانوار (مانند منزل اول، خودروی شخصی و وسایل موردنیاز زندگی) از شمول قانون معاف‌اند.

شده است. این جابجایی مانند این است که کل محتوای یک پوشه را از یک درایو به درایو دیگر منتقل کنید.

برای درک بهتر این جابجایی، به این جدول تطبیقی توجه کنید:

شماره ماده قدیم	شماره ماده جدید	موضوع اصلی ماده
ماده ۴۴	ماده ۴۰	نرخ حق تمبر سفته و برات
ماده ۴۵	ماده ۴۰ مکرر	نحوه صدور اسناد تجاری
ماده ۴۶	ماده ۴۱	نرخ حق تمبر بیمه‌نامه
ماده ۴۷	ماده ۴۱ مکرر	نرخ حق تمبر چک بانکی
ماده ۴۸	ماده ۴۲	نرخ حق تمبر سهام
ماده ۴۹	ماده ۴۳	دستورالعمل پرداخت حق تمبر
ماده ۵۰	ماده ۴۴	حق تمبر پروانه کسب
ماده ۵۱	ماده ۴۵	جرائم عدم پرداخت حق تمبر

۳. هدف فنی و حقوقی این بند چیست؟

هدف اصلی و استراتژیک این بند، «ایجاد فضا» در کتاب قانون برای جایگذاری فصل جدید و بسیار مهم «مالیات بر عایدی سرمایه» است.

- **هدف فنی:** در مواد بعدی همین قانون (از ماده ۱۲ به بعد)، قانون‌گذار مجموعه‌ای از قوانین جدید را تحت شماره‌های ۴۶، ۴۷، ۴۸ و... وضع کرده است. برای اینکه این شماره‌های جدید با شماره‌های قدیمی تداخل پیدا نکنند و در قانون مادر، دو «ماده ۴۶» متفاوت وجود نداشته باشد، لازم بود ابتدا مواد قدیمی که این شماره‌ها را اشغال کرده بودند، به جای دیگری منتقل شوند. این بند، دقیقاً همان عملیات «جابجایی و خالی کردن فضا» را انجام می‌دهد.
- استعاره کتابخانه:** این کار مانند این است که یک کتابدار بخواهد یک بخش جدید و بزرگ به کتابخانه اضافه کند. او ابتدا قفسه‌های بخش «حق تمبر» را از شماره ۴۴-۵۱ به شماره ۴۰-۴۵ منتقل می‌کند تا فضای قفسه‌های ۴۶ به بعد برای بخش جدید «مالیات بر عایدی سرمایه» آزاد شود. بندهای «الف» و «ب» نیز مانند این بود که کتابدار، ارجاعات داخل کتاب‌های دیگر به بخش حق تمبر را با شماره قفسه جدید به‌روزرسانی کند.

متن کامل ماده: «ماده ۵- یک تبصره به عنوان تبصره (۴) به ماده (۳) قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان به شرح زیر الحاق می‌شود:

تبصره ۴- اشخاص تجاری در خصوص فعالیت‌های خود در خارج از ایران، الزامی به صدور صورتحساب الکترونیکی ندارند.»

۱. شرح ساده و هدف بند

این ماده، مرزهای جغرافیایی قانون سامانه مؤدیان را مشخص می‌کند.

- چه چیزی را مشخص می‌کند؟ این قانون به صراحت اعلام می‌کند که کسب‌وکارهای ایرانی (اشخاص تجاری) موظف نیستند برای فعالیت‌های اقتصادی خود که در خارج از مرزهای ایران انجام می‌دهند، صورتحساب الکترونیکی (مدل ایرانی) صادر کنند.
- هدف چیست؟ هدف اصلی، تسهیل تجارت بین‌الملل و جلوگیری از ایجاد بارهای اضافی برای صادرکنندگان است. نظام مالیاتی ایران، بر فعالیت‌های اقتصادی درون کشور حاکم است. الزام یک شرکت ایرانی به صدور صورتحساب الکترونیکی ایرانی برای یک مشتری در آلمان یا امارات، فرآیندی غیرمنطقی، غیرعملی و مغایر با رویه‌های تجارت جهانی بود. این ماده، این مانع بالقوه را از سر راه تجارت خارجی برمی‌دارد و تمرکز قانون را بر شفاف‌سازی معاملات داخلی حفظ می‌کند.

۲. مثال

یک شرکت ایرانی، پسته تولید می‌کند. این شرکت دو نوع مشتری دارد:

۱. فروش داخلی: وقتی این شرکت پسته را به یک فروشگاه زنجیره‌ای در داخل ایران می‌فروشد، موظف است یک صورتحساب الکترونیکی از طریق سامانه مؤدیان صادر کند.
۲. فروش خارجی (صادرات): وقتی همان پسته را به یک شرکت واردکننده در کشور قطر صادر می‌کند، طبق این ماده، الزامی به صدور صورتحساب الکترونیکی در سامانه مؤدیان ایران ندارد. آن معامله، تابع قوانین تجارت بین‌الملل و اسناد مربوط به گمرک (مانند اظهارنامه صادراتی) خواهد بود.

به این ترتیب، قانون مالیات بر سوداگری عملاً «فرزند مشترک» این سه قانون است؛ زیرا داده‌های آن از سامانه مؤدیان می‌آید، تحلیل آن توسط سازمان امور مالیاتی انجام می‌شود، و اثر آن در زنجیره ارزش افزوده نیز منعکس می‌گردد.

۳.۲. تثبیت جایگاه سامانه مؤدیان در قانون مادر

تعاریفی مانند صورتحساب الکترونیکی، کارپوشه تجاری، حساب تجاری و غیرتجاری، درواقع مفاهیمی هستند که در قانون ۱۳۹۸ (قانون پایانه‌های فروشگاهی) ایجاد شده بودند. اما برای اولین بار در این ماده، وارد قانون مالیات‌های مستقیم می‌شوند. این یعنی از نظر تقنینی، سامانه مؤدیان از یک پروژه اجرایی به رکن قانونی نظام مالیاتی کشور ارتقا یافته است.

۴. تحلیل اجرایی ماده (کاربرد در عمل)

در اجرای قانون، هر یک از ۲۵ اصطلاح این ماده کارکرد مستقیمی دارد. در ادامه، مهم‌ترین آن‌ها را از منظر اجرایی توضیح می‌دهم:

اصطلاح	مفهوم اجرایی و کاربرد
سازمان امور مالیاتی	مرجع اصلی جمع‌آوری، پردازش و تشخیص مالیات بر عایدی سرمایه
بانک مرکزی	مسئول نظارت بر حساب‌های تجاری و غیرتجاری؛ تعیین ضوابط شناسایی تراکنش‌های مشکوک
قوه قضائیه	مرجع رسیدگی به اعتراضات و تخلفات مالیاتی؛ ضمانت اجرای قضایی
صورتحساب الکترونیکی	مهم‌ترین سند تحقق معامله؛ در غیاب آن، انتقال دارایی از نظر قانون قابل شناسایی نیست
کارپوشه تجاری و غیرتجاری	محیط اختصاصی هر مؤدی در سامانه مؤدیان برای ثبت و تبادل اطلاعات مالیاتی
حساب تجاری / غیرتجاری	تفکیک کلیدی برای شناسایی جریان‌های اقتصادی و شخصی؛ مبنای تشخیص معاملات مشمول قانون
قیمت خرید تعدیل شده	ابزار عدالت افقی؛ جلوگیری از اخذ مالیات تورمی با استفاده از شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی
عایدی سرمایه و زیان سرمایه	شاخص اصلی تشخیص پایه مالیاتی؛ مبنای محاسبه سود و زیان در هر انتقال دارایی
رمزپول و رمزداری	ورود رسمی دارایی‌های دیجیتال (رمزارزها، توکن‌ها) به نظام مالیاتی کشور برای نخستین بار

۵. نوآوری‌های تقنینی ماده ۱۱

۱. گسترش دامنه دارایی‌ها: برای نخستین بار، مفاهیم «رمزپول» و «رمزدارایی» در قانون مالیاتی ایران تعریف شدند. این موضوع ایران را در ردیف کشورهای قرار می‌دهد که رمزارزها را دارایی مالیاتی می‌دانند (هم‌تراز با کشورهای OECD و FATF).
۲. تثبیت مالیات بر داده: مفهوم «کارپوشه» و «صورتحساب الکترونیکی» نشان‌دهنده گذار از «مالیات بر اظهار» به «مالیات بر داده» است؛ یعنی تشخیص مالیات نه بر مبنای گفته‌ی مؤدی، بلکه بر مبنای داده‌ی ثبت‌شده در سامانه انجام می‌شود.
۳. پایه‌گذاری مالیات بر عایدی خالص: وجود مفهوم «قیمت خرید تعدیل‌شده» نشان می‌دهد که قانون‌گذار به عدالت تورمی توجه کرده است - در واقع، مالیات فقط بر سود واقعی اعمال می‌شود، نه سود اسمی ناشی از تورم.
۴. هم‌افزایی با نهادهای حاکمیتی: ماده، چهار رکن (سازمان امور مالیاتی، بانک مرکزی، قوه قضائیه و مرکز آمار ایران) را وارد زنجیره‌ی اجرا کرده است تا نظام نظارتی چندلایه ایجاد شود.

۶. نقاط قوت و چالش‌های اجرای

نقاط قوت

- ایجاد انسجام بین قوانین مالیاتی و بانکی،
- تعریف شفاف مفاهیم برای جلوگیری از تفسیرهای سلیقه‌ای،
- ورود رسمی دارایی‌های دیجیتال به نظام مالیاتی،
- توجه به عدالت از طریق شاخص تعدیل تورمی.

چالش‌ها

- ابهام در تفسیر دوره تملک در دارایی‌های فاقد صورتحساب (مثلاً املاک قدیمی)،
- مشکل دسترسی به داده‌های رمزارزها که در بسترهای خارجی معامله می‌شوند،
- هماهنگی فنی بین سامانه مؤدیان و بانک مرکزی برای تشخیص حساب‌های تجاری،
- و نیاز به آیین‌نامه‌های دقیق برای اجرای تعریف «قیمت خرید تعدیل‌شده».

۷. جمع‌بندی تحلیلی

ماده ۱۱، در ظاهر مقدمه‌ی قانون است، اما در واقع ستون فقرات اجرایی نظام مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی محسوب می‌شود. این ماده مرزهای جدیدی در نظام مالیاتی ایران گشوده است: از تعریف دارایی‌های دیجیتالی گرفته تا اتصال داده‌های بانکی و معاملاتی. به بیان دیگر، اگر ماده ۱۱ به‌درستی فهم و اجرا شود، ایران از نظام سستی ممیزی مبتنی بر اظهارنامه، به نظام مالیاتی داده‌محور، الکترونیکی و مبتنی بر شفافیت تراکنش‌ها گذر خواهد کرد. همانطور که مشاهده می‌شود، ماده ۱۱ این قانون، دارای ۲۵ بند است که مهم‌ترین آنها (از نظر مؤلف) انتخاب و تحلیل شده است:

درآمد اتفاقی (بند ۱۴)

متن کامل بند: «۱۴- درآمد اتفاقی: درآمدها و کمک‌های نقدی یا معادل ریالی کمک‌های غیر نقدی بلاعوض، جایزه، هدیه، صلح غیرمعمول و نفع حاصل از معاملات محاباتی»

۱. شرح ساده و هدف بند:

این عبارت، نام رسمی و قانونی برای هر نوع درآمدی است که خارج از چارچوب‌های معمول مانند حقوق یا فروش کالا به دست می‌آید. به زبان ساده، این تعریف، چتر قانونی برای پوشش دادن «پول‌ها و دارایی‌های بادآورده یا غیرمنتظره» است.

این تعریف شامل موارد زیر می‌شود:

- **هدیه و جایزه:** واضح‌ترین مصادیق، مانند جایزه قرعه‌کشی شرکت‌ها یا هدیه‌ای که از دوست خود دریافت می‌کنید.
- **کمک‌های بلاعوض:** کمک‌های نقدی یا غیرنقدی که در ازای آن چیزی پرداخت نمی‌کنید.
- **معاملات محاباتی:** این یک اصطلاح حقوقی مهم است. به معامله‌ای گفته می‌شود که در آن، یک طرف معامله از روی قصد و با آگاهی، دارایی خود را به قیمتی بسیار پایین‌تر از ارزش واقعی به طرف دیگر می‌فروشد تا به او نفعی برساند. این «نفع» یا «تخفیف بزرگ»، از نظر قانون درآمد اتفاقی است.

۲. مثال

۱. معامله اولیه (با کم‌اظهاری): آقای جوادی ملک خود را به مبلغ واقعی ۵ میلیارد تومان به آقای کریمی می‌فروشد. برای فرار مالیاتی، آنها در صورت‌حساب الکترونیکی مبلغ ۲ میلیارد تومان را ثبت می‌کنند.
 ۲. اقدام سازمان: سازمان امور مالیاتی، کم‌اظهاری را تشخیص می‌دهد. مالیات آقای جوادی (فروشنده) بر اساس ارزش واقعی ۵ میلیارد تومانی محاسبه می‌شود.
 ۳. فروش بعدی توسط خریدار: چند سال بعد، آقای کریمی (خریدار) همان ملک را به مبلغ ۸ میلیارد تومان می‌فروشد.
- نتیجه: طبق این تبصره، «قیمت خرید» برای آقای کریمی همان ۲ میلیارد تومان صوری است. بنابراین، سود مشمول مالیات او ۶ میلیارد تومان ($8 - 2 = 6$) خواهد بود. او به دلیل تبانی اولیه، هزینه فرار مالیاتی فروشنده قبلی را در آینده پرداخت می‌کند.
- سناریوی ضرر: اگر آقای کریمی ملک را به قیمت ۱.۵ میلیارد تومان بفروشد، او ظاهراً ۵۰۰ میلیون تومان ضرر کرده است ($2 - 1.5 = 0.5$). طبق این تبصره، او حق ندارد این ضرر ۵۰۰ میلیونی را از سود فروش دارایی دیگری کم کند.

۳. نکات حقوقی و نگاه منتقدانه

- نکته حقوقی: این تبصره یک ابزار بازدارنده قدرتمند است که تبانی را پرهزینه می‌کند. سازمان مالیاتی برای محاسبه مالیات فروشنده به «ماهیت» معامله (ارزش واقعی) استناد می‌کند، اما برای ثبت سابقه خریدار، به «شکل ظاهری» آن (سند صوری) پایبند می‌ماند. این عدم تقارن، یک ابزار حقوقی - مالیاتی برای شکل‌دهی به رفتار مؤدیان و تشویق آنها به شفافیت است.
- نگاه منتقدانه:

۱. کارآمدی بالا در شکستن تبانی: این قاعده، یکی از هوشمندانه‌ترین بخش‌های فنی قانون برای مقابله با کم‌اظهاری است. این تبصره، منافع خریدار و فروشنده را کاملاً در تضاد با یکدیگر قرار می‌دهد و به طور مؤثری، انگیزه همکاری برای فرار مالیاتی را از بین می‌برد.

۱. شرح ساده و هدف تبصره

- این تبصره، مهم‌ترین و کاربردی‌ترین سپر محافظ در برابر مالیات بر درآمد اتفاقی است.
- چه کاری انجام می‌دهد؟ این قانون به صراحت می‌گوید هرگونه وجه یا دارایی که شما از اعضای خانواده نزدیک خود (شامل پدر، مادر، همسر، پدربزرگ/مادربزرگ و فرزندان) دریافت کنید، به هر میزانی که باشد، کاملاً از مالیات بر درآمد اتفاقی معاف است.
 - هدف چیست؟ هدف، احترام به روابط خانوادگی و عدم دخالت نظام مالیاتی در تعاملات مالی درون خانواده است. قانون‌گذار با این معافیت مطلق، این پیام را می‌دهد که هدف قانون، مالیات گرفتن از کمک‌های خانوادگی، هدیه‌های بین اعضا یا حمایت‌های مالی والدین از فرزندان نیست.

۲. مثال

- پدري مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان برای کمک به خرید خانه، به حساب پسرش واریز می‌کند.
- طبق این تبصره، از آنجایی که این تراکنش بین پدر و فرزند (از اعضای خانواده) است، این مبلغ ۵۰۰ میلیون تومانی کاملاً از مالیات بر درآمد اتفاقی معاف است و پسر، هیچ‌گونه تعهد مالیاتی بابت آن نخواهد داشت.

۳. نکات حقوقی و نگاه منتقدانه کلی بر این تبصره‌ها

- نکته حقوقی: این تبصره‌ها، چهارچوب اجرایی «تور ایمنی» را کامل می‌کند. تبصره ۱ و ۲ زمان و شرط اجرا را مشخص می‌کنند و تبصره ۳ مهم‌ترین استثناء و معافیت آن را تعریف می‌نماید. این ساختار، تضمین می‌کند که این ابزار قدرتمند، به صورت کنترل‌شده و منصفانه به کار گرفته شود.
- نگاه منتقدانه:

۱. اهمیت حیاتی معافیت خانوادگی: تبصره ۳، ضروری‌ترین سپر محافظ در کل این بخش است. بدون این معافیت، تقریباً تمام تعاملات مالی روزمره در خانواده‌های ایرانی می‌توانست مشمول مالیات شود. این بند به درستی این نگرانی را برطرف کرده است.

۳. کسر از باقیمانده: هر بار که از بخشی از این معافیت استفاده می‌کنید، آن مبلغ از کل حساب ۲۸۸ میلیاردی شما کسر شده و باقیمانده آن برای استفاده‌های بعدی، ذخیره می‌شود.

- **هدف چیست؟ هدف، ایجاد یک تور ایمنی نهایی برای رویدادهای مالی بزرگ و غیرمنتظره زندگی است.** قانون‌گذار می‌داند که گاهی افراد با درآمدهای اتفاقی کلانی روبه‌رو می‌شوند که از سقف معافیت سالانه (۲ میلیارد تومان) بسیار فراتر می‌رود (مانند دریافت یک هدیه بسیار بزرگ از یک فرد خارج از خانواده، برنده شدن در یک جایزه بین‌المللی، یا دریافت دیه و خسارت‌های کلان). این سپر محافظ، تضمین می‌کند که چنین رویدادهای یکباره‌ای، منجر به یک بدهی مالیاتی کمرشکن و ناعادلانه برای شهروندان نشود.

۲. مثال

خانم مهندس رحیمی، یک کارآفرین جوان (شخص غیرتجاری)، برای راه‌اندازی استارت‌آپ خود، نیاز به سرمایه اولیه دارد. یکی از بستگان دور او (که جزو خانواده درجه یک نیست) مبلغ ۵ میلیارد تومان به عنوان کمک بلاعوض به حساب او واریز می‌کند.

۱. **بررسی معافیت سالانه:** این مبلغ از سقف معافیت سالانه (۲ میلیارد تومان) بیشتر است. بنابراین، ۳ میلیارد تومان از آن مشمول مالیات می‌شود.

۲. **درخواست استفاده از معافیت مادام‌العمر:** خانم رحیمی وارد کارپوشه غیرتجاری خود شده و درخواست می‌کند که ۳ میلیارد تومان از «حساب معافیت مادام‌العمر» او برای پوشش این مبلغ مازاد، استفاده شود.

۳. نتیجه:

- کل مبلغ ۵ میلیارد تومان کاملاً از مالیات معاف می‌شود.
- از حساب معافیت مادام‌العمر او، مبلغ ۳ میلیارد تومان کسر شده و باقیمانده آن $288 - 3 = 258$ میلیارد تومان خواهد بود.
- او از یکی از سه «فرصت» استفاده خود در طول عمرش استفاده کرده و دو فرصت دیگر برای سال‌های آینده برایش باقی می‌ماند.

• نگاه منتقدانه:

۱. اقدامی عمل‌گرایانه و ضروری: این مهلت ۲۰ ماهه، یک اقدام واقع‌بینانه و ضروری از سوی مجلس بوده است. اصرار بر اجرای فوری این تکالیف می‌توانست منجر به مقاومت شدید از سوی کسب‌وکارها و شکست کل پروژه شود. این دوره تنفس، شانس موفقیت بلندمدت قانون را افزایش می‌دهد.
۲. تأخیر در تحقق شفافیت کامل: نقطه ضعف این رویکرد، این است که اثرات کامل و مثبت قانون، به خصوص اثر دومینویی ناشی از قاعده «عدم پذیرش هزینه»، برای نزدیک به دو سال به تعویق می‌افتد. این یعنی فرآیند شفاف‌سازی کامل اقتصاد و مبارزه با فرار مالیاتی در بخش کسب‌وکارها، یک شروع کند خواهد داشت.
۳. هماهنگی با سایر زمان‌بندی‌ها: باید توجه داشت که این مهلت ۲۰ ماهه، صرفاً مربوط به تکالیف کسب‌وکارها (مؤدیان) است. تقویم زمانی مربوط به اشخاص غیرتجاری و مالیات بر عایدی سرمایه آن‌ها، تابع یک ساز و کار دیگر، یعنی «اعلام استقرار بستر اجرایی» توسط وزیر اقتصاد است که ممکن است زودتر یا دیرتر از این مهلت ۲۰ ماهه اتفاق بیفتد.

سخن پایانی

آغاز عصر مالیات‌ستانی داده - محور و چالش‌های پیش رو

در صفحات این کتاب، سفری تحلیلی را برای کالبدشکافی یکی از پیچیده‌ترین و ساختارشکن‌ترین قوانین تاریخ معاصر اقتصاد ایران آغاز کردیم. ما ماده به ماده، بند به بند و تبصره به تبصره، تلاش کردیم تا از پوسته ظاهری «قانون مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی» عبور کرده و به هسته مرکزی، منطق حقوقی و فلسفه حاکم بر آن دست یابیم. اکنون در پایان این مسیر، می‌توان با اطمینان گفت که این قانون، نه صرفاً یک پایه مالیاتی جدید، بلکه یک **بیانیه رسمی برای پایان دادن به دوران مالیات‌ستانی سنتی و آغاز عصر حکمرانی مالیاتی داده** - محور در ایران است.

این تحول بنیادین، که برآیند سال‌ها کار کارشناسی و فرآیندهای پرفراز و نشیب تقنینی است، بر سه ستون اصلی استوار است که درک عمیق آن‌ها برای هر متخصصی ضروری است:

ستون اول: بازتعریف «درآمد» و تلاش برای عدالت مالیاتی

برای دهه‌ها، نظام مالیاتی ما از یک عدم تقارن ساختاری رنج می‌برد. این قانون، با وضع مالیات بر عایدی سرمایه، به این خلأ قانونی دیرینه پایان داد. اما فراتر از آن، با ابزارهای هوشمندانه‌ای چون «تعدیل تورمی» (که در تحلیل ماده ۱۴ به آن پرداختیم)، نشان داد که هدف، نه اخذ مالیات از سرمایه شهروندان، بلکه مالیات‌ستانی از سود واقعی و فراتر از تورم است. قواعد فنی و پیچیده‌ای مانند «انتقال مبنای هزینه» برای هدیه‌های خانوادگی یا «مبنای ارزش جایگزین شده» برای ارث، همگی نشان از بلوغ و دقت نظر قانون‌گذار در طراحی این بخش دارد تا از اخذ مالیات مضاعف یا ناعادلانه جلوگیری شود.

ستون دوم: باز معماری زیرساخت و تغییر فلسفه اجرایی

شاید بتوان گفت دستاورد اصلی این قانون، نه وضع مالیات جدید، بلکه بازآفرینی انقلابی «قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان» است. این تحول، فلسفه نظام مالیاتی را از یک مدل تقابل‌زای «ممیزمحور» به یک مدل خدماتی و شفاف «سامانه - محور» تغییر داد. با تعریف مفاهیم

جدیدی چون «شخص غیرتجاری»، «کارپوشه» و «حساب تجاری/غیرتجاری» و مهم‌تر از آن، با تکلیف به گزارش‌دهی توسط اشخاص ثالث (که در تحلیل ماده ۸ به تفصیل بررسی شد)، قانون‌گذار بار اثبات را از دوش مؤدی برداشته و یک اکوسیستم اطلاعاتی خودکار ایجاد کرده است. «اظهارنامه پیش‌فرض»، کلیدواژه این تحول بزرگ است که نقش شهروند را از یک «اقرارکننده» به یک «تأییدکننده» تغییر می‌دهد.

ستون سوم: یکپارچه‌سازی حاکمیتی و تبادل داده‌ها

این قانون، فراتر از حوزه مالیات، یک پروژه ملی برای یکپارچه‌سازی داده‌های حاکمیتی است. الزام به همکاری و تبادل برخط اطلاعات بین سازمان امور مالیاتی، سازمان ثبت اسناد، بانک مرکزی، قوه قضائیه، پلیس راهور، وزارت راه و شهرسازی و سازمان ثبت احوال (که در تحلیل مواد ۷، ۹ و ۲۷ به آن پرداختیم)، گامی بی‌سابقه در جهت ایجاد یک دولت الکترونیک یکپارچه و هوشمند است. این اتصالات، پایه‌های لازم برای تحقق اهداف بلندمدتی چون «مالیات بر مجموع درآمد» (PIT) و هدفمندسازی واقعی یارانه‌ها را فراهم می‌آورد.

چالش‌های پیش رو: از متن قانون تا واقعیت اجرا

با وجود تمام نقاط قوت، این کتاب نشان داد که مسیر پیش رو، مسیری هموار نخواهد بود. موفقیت این پارادایم شیفت، به سه چالش بزرگ بستگی دارد که جامعه متخصصان باید با دقت آن‌ها را رصد کنند:

۱. چالش فنی: آیا زیرساخت‌های فناوری اطلاعات کشور، توانایی پردازش، تحلیل و حفاظت

از این حجم غیرقابل تصور از داده‌های مالی (Big Data) را با امنیت و پایداری لازم خواهند داشت؟ آیا سامانه‌های قدیمی و جزیره‌ای دستگاه‌های مختلف، قادر به «تعامل‌پذیری» واقعی با یکدیگر خواهند بود؟ پاسخ به این سوالات، تعیین‌کننده موفقیت یا شکست فنی این پروژه است.

۲. چالش اجرایی و بوروکراتیک: آیا این تعداد از نهادهای قدرتمند حاکمیتی، قادر به

همکاری واقعی و کنار گذاشتن مقاومت‌های سازمانی برای ایجاد یک جریان داده یکپارچه خواهند بود؟ آیا فرآیندهای جدید به جای ساده‌سازی، به یک بوروکراسی دیجیتال پیچیده‌تر تبدیل خواهند شد؟

۳. چالش حقوقی و تفسیری: کیفیت، دقت و انصاف آیین‌نامه‌های اجرایی که قرار است جزئیات این قانون را مشخص کنند، نقشی حیاتی در سرنوشت آن خواهد داشت. ابهام در مفاهیمی چون «مرتبط با فعالیت شغلی»، «باغ‌ویلا» و نحوه عملکرد «سیستم ارزش‌گذاری روز»، می‌تواند به میدان اصلی نبردهای حقوقی آینده در هیئت‌های حل اختلاف مالیاتی تبدیل شود. نقش ما به عنوان جامعه حقوقی در نقد و تحلیل این آیین‌نامه‌ها، بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد.

سخن آخر و دعوت به مشارکت

قانون مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی، با تمام پیچیدگی‌ها و چالش‌هایش، یک گام بی‌بازگشت به سوی آینده است. این قانون، یک نقطه عطف است که پس از آن، دیگر نمی‌توان به دوران اقتصاد غیرشفاف و مالیات‌ستانی سستی بازگشت. برای ما، به عنوان جامعه حقوقی و اقتصادی کشور، این تحول به معنای آغاز یک دوره جدید است. دورانی که در آن، تسلط بر فناوری‌های اطلاعاتی، درک عمیق از تعاملات بین‌دستگاهی و توانایی تحلیل داده‌های مالی، به اندازه تسلط بر متن خشک قانون اهمیت خواهد داشت.

این کتاب تلاشی بود برای ترسیم نقشه این سرزمین جدید. اما این نقشه، ثابت نیست و با هر آیین‌نامه اجرایی، هر بخشنامه و هر رأی هیئت حل اختلاف، جزئیات آن تغییر خواهد کرد. دوران قانون‌گذاری به پایان رسیده و دوران تفسیر، اجرا و آزمون عملی آن آغاز شده است.

از این رو، این اثر را نه به عنوان نقطه پایان، بلکه به عنوان آغاز یک گفتگوی تخصصی و مستمر می‌دانیم. از تمام همکاران، پژوهشگران، وکلا و مشاوران مالیاتی دعوت می‌شود تا نظرات، انتقادات و پیشنهادات تکمیلی خود را برای غنی‌تر کردن ویرایش‌های آتی این کتاب، به آدرس ایمیل زیر ارسال فرمایند:

info@MrTax.site

امید است این اثر، ابزاری کارآمد در دستان شما برای پیمودن این مسیر پرچالش و هیجان‌انگیز باشد.

[فرشید رستگار]

[پاییز ۱۴۰۴]